



## بررسی دیدگاه سالمندان از پدیده مرگ: یک مطالعه کیفی

بهزاد میرکی

دانشگاه کردستان، سنندج

✉ دکتر احمد امانی

دانشگاه کردستان، سنندج

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵  
 پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

کلیدواژه‌ها: سالمندی، پدیدارشناسی، پیر شدن، مرگ

نحوه ارجاع‌دهی به مقاله:  
 امانی، ا، میرکی، ب. (۱۳۹۸).  
 بررسی دیدگاه سالمندان از پدیده مرگ: یک مطالعه کیفی. *مجله روان‌شناسی پیری*، ۵(۲)، ۱۶۹-۱۷۸.

سالمندی آخرین مرحله زندگی می‌باشد که هر انسانی می‌تواند بدان برسد. دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با مرگ ارائه گردیده است و این پدیده را مورد پژوهش قرار داده‌اند. مرگ، هدف این پژوهش بررسی دیدگاه‌های سالمندان در رابطه با زندگی گذشته آنان قبل از اسکان در سرای سالمندان، عقاید، افکار و احساسات آنان درباره مرگ و نظرات آنان در رابطه با دنیای پس از مرگ می‌باشد. تعداد ۱۷ سالمند ساکن در مرکز شبانه روزی نگهداری از سالمندان جام جم سنندج انتخاب گردید. این پژوهش با استفاده از روش کیفی انجام پذیرفت. مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته عمیقی با سالمندان به عمل آمد. مصاحبه به طور دقیق مورد بررسی قرار گرفت سپس با استفاده از روش توصیفی کلایزی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداختیم که به موجب آن سه مضمون اصلی و هجده مضمون فرعی به دست آمد. مضامین اصلی به دست آمده شامل زندگی نازیبسته، پنداشت‌های پیرامون مرگ و دنیای پس از مرگ می‌باشند. تامل برانگیزترین مضامین فرعی به دست را می‌توان در مفاهیم سرکوب نیازهای شخصی به سبب وجود نیازهای دیگران، اضطراب مرگ، انزوا، پذیرش مرگ و تمایل به زندگی جاودان در آرامش را اشاره نمود. پدیده مرگ به عنوان عاملی اجتناب ناپذیر و غیر قابل کنترل هرچه بیشتر مورد پذیرش قرار گیرد احساسات ناخوشایند و اضطراب به وجود آمده از آن کاهش می‌یابد و بر بهزیستی روانی فرد تأثیر بسزایی دارد.

احمد امانی دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران؛ بهزاد میرکی، دانشجوی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به احمد امانی دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران باشد.

پست الکترونیکی: a.amani@uok.ac.ir

## Seniors' viewpoints about death phenomenon: A qualitative study

Ahmad Amani, PhD 

Kurdistan university, Sanandaj

Behzad Miracky

Kurdistan university, Sanandaj

Receive: 06/03/2019


Acceptance: 12/10/2019

Keywords: Seniority, phenomenology, aging, death

How to cite this article:  
Mohammadi, I., & Amani, A., & Miracky, B. (2019). Seniors' viewpoints about death phenomenon: A qualitative study. *Journal of Aging Psychology*, 5(2), 169-178.

Aging is the last stage of human life. Different viewpoints on aging have been presented and studied. The purpose of this study was to determine older people's views on their past lives before settling in nursing home, their beliefs, thoughts and feelings about death and their views on the post-mortem life. Semi-structured interviews were conducted with 17 elderly people living in a boarding nursing home. The interviews were thoroughly analyzed and data were analyzed using Colaizzi descriptive method, which provided three main themes and eighteen sub-themes. The main themes included the life the person wished to live, ideas on death, and after death life. The most intriguing themes were the concepts of suppressing one's own needs for the needs of others, the anxiety of death, isolation, acceptance of death, and the desire for eternal life in peace.

Ahmad Amani, Associate Professor, Counseling Faculty, Human Sciences Faculty, Kurdistan University, Sanandaj, Iran; Behzad Miracky, M. A Student in family counseling, Human sciences faculty, Kurdistan university, Sanandaj, Iran.

 Correspondence concerning this article should be addressed Ahmad Amani, Associate Professor, Counseling Faculty, Human Sciences Faculty, Kurdistan University, Sanandaj, Iran.  
Email: a.amani@uok.ac.ir

ناتوانی، زوال عقل رنج می‌برند با پیرتر شدن ممکن است نتوانند در مورد بیماری و درد خود و نیز خواسته‌های قبل از مرگ سخنی بر زبان آورند (موریسی، ۲۰۱۱). ترس از مرگ ممکن است بیشتر با نگرانی از وضعیت زندگی در پایان عمر همایند شود این ترس‌ها میل فرد به هرچه طولانی‌تر شدن زندگی افزایش می‌دهد (لاکهارت و همکاران، ۲۰۰۱). انسان‌ها تنها موجوداتی‌اند که می‌توانند مرگ خود را تصور کنند و به پایان زندگی خود و اطرافیان نیز بیاندیشند (کالیش و رینولدز، ۱۹۷۷). این توانایی بی نظیر پیش‌بینی مرگ در آینده منشا احساسات همچون با ارزشی و بی‌ارزشی، اضطراب و عشق، پشیمانی و انکار، موفقیت و شکست است (کالیش و رینولدز، ۱۹۷۷). فرار از چنگال مرگ و پیر شدن ممکن نیست و فرایند دلهره‌آور مشهودی دارد، مرگ واقعیتی حتمی واضح به‌ویژه برای سالمندان است. چگونه یک شخص می‌تواند از دردی جانسوز، چند بعدی که هیچ کلامی قادر به توصیف آن نیست سخن گوید و آن را شرح دهد (بارباتو، ۲۰۰۶). در پژوهش انجام گرفته بر ۲۴۸ بیمار سرطانی که از آنان پرسیده شده بود: «مهمترین نیاز شما چیست؟» غلبه بر ترس غالب‌ترین خواسته آن‌ها است و این نیاز برخاسته از آرامش ذهنی و راهنمایی برای دستیابی به منابع امیدواری، معنا و معنویت است (موادل و همکاران، ۱۹۹۹). یکی از راه‌های ارزیابی کیفیت زندگی افرادی که در پایان عمر خود هستند تمرکز بر دیدگاه آنان از پدیده مرگ می‌باشد (فگ، واسنر، تئودرت و بوراسیو، ۲۰۰۵؛ پاتریک، کورتیس، انگلبرگ، نیلسن و مک کاون، ۲۰۰۳؛ جی آر گوردون و جی آر، ۲۰۰۲؛ پاتریک، انگلبرگ و کورتیس، ۲۰۰۱؛ لیود، ۲۰۰۰). در پژوهشی نشان داده شده است که سالمندانی که بیشتر از ۹۰ سال عمر می‌کنند در سال‌های آخر عمر از سالمندانی که در دهه ۸۰ عمر می‌میرند به حمایت بیشتری برای انجام امور روزمره خود نیاز دارند (ژاو و همکاران، ۲۰۱۰). سالمندی موفق دارای ویژگی عمده می‌باشد: ریسک پایین ابتلا به بیماری‌ها، توانایی حفظ مناسب عملکرد ذهنی و جسمی و مشارکت فعال در امور زندگی (رو و کاهن، ۱۹۹۷). رنج و مرگ تجربه همگانی تمام انسان‌ها است (اوردیل، ۲۰۱۶). نگرش‌های پیرامون مرگ به یک حوزه علاقه مندی در روان‌شناسی دهه ۵۰ میلادی با پژوهش‌های فایفل در حوزه پیری شناسی و جمعیت‌های بیمار انجام پذیرفت اگرچه قبل از وی پژوهشگران دیگری

عمر طولانی‌تر به معنای مردن در سن بالاتر است (فلمینگ، فارکواهر، برایان، بارکلی و همکاران، ۲۰۱۶). پیشینه پژوهش در زمینه تجربیات سالمندان از پایان عمر و خواسته‌های آنان به‌ویژه در مورد افراد بسیار پیر محدود است (شارپ، موران، کوهن و بارکلی، ۲۰۱۳؛ هالبرگ، ۲۰۰۴). یک مطالعه مروری در کشور سوئد، مشخص کرده است که ۳۳ پژوهش در کل دنیا در این زمینه انجام گرفته اما تعداد بسیار کمی از آنان افراد سالمند بسیار پیر را مورد بررسی قرار داده‌اند (هالبرگ، ۲۰۱۴). در سال ۲۰۰۲ پژوهشی در کشور غنا مشخص نموده است که افراد در آنجا مرگ را یک اتفاق خوشایند می‌دانند که آنها را به آرامش و خوشبختی پس از یک عمر مشقت و دشواری می‌رساند (ون‌درجیست، ۲۰۰۲). با پیر شدن ما انسان‌ها پنداشتمان و میزان تفکرمان نسبت به مرگ افزایش می‌یابد بر اساس پژوهش‌های سالمندان وقت و زمان بیشتری را پیرامون مرگ نسبت به افراد جوان‌تر صرف می‌نمایند (فیسک، وتزل و گاتز، ۲۰۰۹؛ کالیش، رینولدز، ۱۹۷۷). این امر غیر طبیعی نیست زیرا سالمندان بیشتر با مرگ اطرافیان و هم‌سن‌های خود روبه‌رو می‌شوند. در عین حال تعداد سالمندانی که به واسطه سن طولانی مرگ فرزندان خود را می‌بینند در حال افزایش است (وید، ۲۰۰۴). با این وجود پژوهش‌های انجام گرفته بر پنداشت و پیچیدگی از این رویداد درک ما از نگرش سالمندان به مرگ و اهمیت معنایی آن با محدودیت رو به رو بوده و دانش ما را چندان افزایش نداده است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در رابطه با مرگ عمدتاً بر احساس ترس و اضطراب از مرگ و مردن تمرکز یافته‌اند. افسردگی بالینی در سنین کهنسالی یک عامل خطرزای مهم در اقدام به خودکشی می‌باشد (بریگز، توبین، کنی و کنلی، ۲۰۱۸؛ کرامپکر، ۲۰۰۸). در پژوهش‌های انجام شده در حوزه نگرش‌های پیرامون مرگ این مفهوم در سه بعد اصلی شناسایی شده گردیده است: سن، جنسیت و مذهب (تورسون و پاول، ۱۹۹۰؛ رابین، ۱۹۸۹؛ پولاک، ۱۹۸۰). پدیدارشناسی تجربه سالمندان از مرگ در پی شناخت تجربه زیسته این طبقه از جامعه از درد و رنج و نیز روشن ساختن ماهیت طبیعی این پدیده می‌باشد. نگرانی از سالمندی به دو صورت فرد-خانواده محور و میان رشته‌ای می‌باشد (موریسی، ۲۰۱۱). این نگرانی‌ها ویژه سالمندان است، تعداد زیادی از آنان که از افول وضعیت جسمانی،



## یافته‌ها

یافته‌های پژوهشی شامل دیدگاه شرکت‌کنندگان دارای سه مضمون اصلی و هجده مضمون فرعی می‌باشد که در جدول ۲ اشاره گردیده و در ادامه مفصل بحث خواهند شد.

جدول ۲

خلاصه یافته‌های پژوهشی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
زندگی نازیسته	اولویت داشتن دیگران بر خود
	اولویت داشتن کار بر خانواده
پنداشت‌های پیرامون مرگ	ابراز نکردن احساسات در زندگی
	نپرداختن به علایق شخصی
	آماده نبودن برای مرگ
	رهاشدگی
دنیای پس از مرگ	به تعویق انداختن مرگ
	هیچکس تا ابد زندگی نمی‌کند
	ترس از مرگ
	ترجیح مرگ بر از کارافتادگی
	پذیرش مرگ
	در انتظار مرگ
دنیای پس از مرگ	مرگ بی درد
	بدن بعد از فوت
	ترس از دنیای دیگر
دنیای پس از مرگ	عذاب قبر
	قیامت
	آرامش ابدی

## زندگی نازیسته

مفهوم زندگی نازیسته عمدتاً بر نگرانی‌ها و حس پشیمانی افراد از اعمالی که در گذشته می‌بایست انجام می‌دادند اما به خواست دیگران از نیاز و خواسته شخصی خود چشم پوشی نموده اشاره دارد، به عبارت دیگر شخص نیاز خود را سرکوب و به نیاز دیگران جامه عمل پوشانده است که این امر موجب ایجاد حس پشیمانی و رویاپردازی برای تغییر گذشته می‌گردد.

**اولویت داشتن دیگران بر خود:** در این مضمون سالمندان شرکت‌کننده در این پژوهش به عواملی همچون سرکوب و نادیده گرفتن خواسته‌های خود در مقابل خواست‌های دیگران اشاره نموده‌اند.

من همیشه در دسترس دیگران بودم و کارهای آنان را انجام می‌دادم. وقت من متعلق به اونا بود تا خودم. (سالمند ۱۱)

انگار من رو به خاطر کارهایی که براشون می‌تونستم انجام بدم می‌خواستن نه بیشتر حیف که این مسئله رو دیر فهمیدم. (سالمند ۱۴)

**اولویت داشتن کار بر خانواده:** اکثریت مطلق پاسخ دهندگان مرد به مهمتر بودن شغل و حرفه در مقابل روابط شخصی اشاره نموده‌اند.

تمام عمرم حتی یک دقیقه هم بیکار نبودم همیشه در حال کار و تلاش بودم، افسوس که وقت نداشتم با همسر و فرزندم حتی به عروسی هم بروم (سالمند ۲)

اگر می‌دانستم تنها برادرم آنقدر زود از دنیا می‌رود بیشتر با او زمان می‌گذراندم و کارهای دیگری را انجام نمی‌دادم (اشک در چشمانش حلقه می‌بندد). (سالمند ۳)

**ابراز نکردن احساسات در زندگی:** بیشتر سالمندان مورد مصاحبه در این پژوهش قویاً بر این مورد اشاره می‌نمودند که در زمان مناسب از ابراز احساسات درونی خود به افراد مهم زندگی ایشان خود داری نموده‌اند و در زمان حاضر پشیمان می‌باشند.

شاید باور نکنی اما من هنوز به دختری که در بیست سالگی همسایه مان بود علاقه دارم، کاشکی حداقل یک بار به او می‌گفتم چقدر دوستش دارم و چقدر دلم می‌خواست باهاش زندگی کنم. (سالمند ۱۵)

الان که فکرشو می‌کنم خیلی برام عجیب و غریبه که خجالت می‌کشیدم به شوهرم بگم دوستش دارم، حتی صدا زدنش با اسم کوچکش واسم سخت بود چرا اینجوری بودم نمی‌دونم (به نقطه‌ای خیره می‌شود). (سالمند ۱۱)

**نپرداختن به علایق شخصی:** این مضمون شامل حس‌های منفی و ناخوشایندی می‌باشد که به موجب عدم شناخت خواسته‌ها و علایق و نبود آگاهی از خود واقعی فرد به وجود آمده است.

دوس داشتم درس بخونم و حداقل آنقدر سواد داشتم که بتونم به شماره موبایل واسه خودم بگیرم اما همش مشغول‌تر و خشک کردن بچه هام بودم. (سالمند ۱)

دوست داشتم بیشتر به مسافرت برم، دنیا رو می‌دیدم کل زندگی‌مو تو آبادیمون بودم و الانم سنندج، الان دیگه توان رفتن به هیچ جا رو ندارم (لبخند تلخی می‌زند). (سالمند ۶)

### پنداشت‌های پیرامون مرگ

چاره ناپذیری مرگ و فناپذیری انسان‌ها و نیز مبهم بودن اتفاقات پس از فوت از جمله عواملی می‌باشند که در به وجود آمدن نگرانی‌های پیرامون دنیای پس از مرگ دخیل‌اند.

**آماده نبودن برای مرگ:** تعدادی از سالمندان با وجود علم بر داشتن کهولت سن و نزدیکی رویداد مرگ به طور ناهشیار تمایل به بازگشت به جوانی و تجدید حیات را دارند.

خیلی سریع سال‌های عمرم گذشت، هنوز نمی‌تونم باور کنم ۷۲ سال دارم، یعنی چقدر دیگه عمر می‌کنم. (سالمند ۴)

ای کاش دکترها دارویی درست می‌کردند که با خوردنش جوان می‌شدی به هر قیمتی می‌خریدمش (خنده‌ای می‌زند). (سالمند ۱۰)

**رها شدگی:** این مفهوم در ذهن سالمندان مورد بررسی به طور ضمنی به معنای طرد شدگی به حال خود و انزوا در آخرین مرحله حیات می‌باشد.

دلم می‌گیره که می‌بینم اینجا ولم کردن تا بمیرم. (سالمند ۱۶)

احساس می‌کنم بستگانم من رو نمی‌خوان به خاطر همین که تو خانه سالمندان من رو گذاشتن که تنها باشم، حتی نمایان بهم سر بزنند. (سالمند ۱۵)

**به تعویق انداختن مرگ:** میل به جاودانگی که از امیال بنیادی هر انسان‌بست در این مضمون مشاهده می‌گردد.

دوست ندارم بمیرم هنوز آماده نیستم، ای کاش مردن اصلا وجود نداشت، ای کاش انسان‌ها فانی نبودن. (سالمند ۷)

دلم می‌خواست شبی می‌خوابیدم و صبح وقتی از خواب بیدار می‌شدم و تو آینه رو نگاه می‌کردم به یه جوون بیست ساله تبدیل شده باشم. (سالمند ۱۱)

**ترس از مرگ:** ترس از مرگ یکی از شایع‌ترین نوع‌های ترس در میان سالمندان است و دغدغه اصلی آنهاست که در اوقات تنهایی و به دور از شبکه‌های اجتماعی به صورت دل مشغولی به آن می‌پردازند.

از خیلی چیزها تو زندگی‌م می‌ترسیدم اما فکر می‌کنم مرگ از همه بدتر باشه، یعنی چه حسی داره. (سالمند ۸)

تا حالا کسی از مرگ برنگشته تا بگه مرگ درد داره یا نه، برای همین می‌ترسم وقتی که جنازه می‌بینم، بعضی

وقت‌ها که اینجا مسن ترها می‌میرن تا چند روز هیچکس دل و دماغ حرف زدن نداره. (سالمند ۱۳)

**ترجیح مرگ بر از کارافتادگی:** با وجود اضطراب‌آور بودن مرگ اکثر سالمندان مرگ را بر از کار افتادگی و عدم توانایی در انجام امورات شخصی خود ترجیح می‌دهند.

می‌دونی مرگ خیلی سخته اما من می‌گم از اون سخت ترم هست یعنی اینکه سخته بکنی و نمیری و بعدش نتونی کارهای شخصی خودت رو انجام بدی مثلاً یه دستشویی رفتن ساده. (سالمند ۳)

فکر کن حتی نتونی بدون کمک دیگران یه لیوان آب بخوری این از صد بار مردن هم بدتره، تو این وقتا مرگ خودش به موهبتیه. (سالمند ۱۱)

**پذیرش مرگ:** سالمندان مورد بررسی در این پژوهش به ویژه سالمندان دارای کهولت سن، بیشتر بر این باور رسیده‌اند که در آینده نزدیک از این دنیا خواهند.

بزرگ و کوچیک، پیر و جوون، زن و مرد همه یه روز می‌میرن و این دست خداست نه آدمی زاد. (سالمند ۷)

این بدن ما نمی‌تونه تا ابد دووم بیاره، بیمار می‌شیم از کار می‌افتیم و در نهایت یک روز می‌میریم. (سالمند ۱۰)

**در انتظار مرگ:** بیشتر سالمندان مورد بررسی مرگ را جز لاینفک این زندگی می‌دانند و با اشاره به آن به عنوان اتفاقی قریب الوقوع در تلاش برای یافتن معنایی در مفهوم فانی بودن می‌باشند.

همه اش به این فکر می‌کنم که قراره اتفاق بیافته، من اگه نباشم این دنیا چقدر متفاوته، من نباشم اصلا واسه کسی مهمه؟ (سالمند ۹)

حس می‌کنم بهم نزدیکه شاید به خاطر اینکه همه اقوام و آشنایان هم سن الان من مردن و در این دنیا نیستن. (سالمند ۱۷)

**مرگ بی درد:** دغدغه اصلی و مهم اکثریت سالمندان حتی بیشتر از مرگ شیوه مردن و ترک این جهان می‌باشد.

همیشه می‌ترسم از نبودن و از نیستی، از نبودن تو این دنیا از این که موقع مردن چی می‌شه، می‌ترسم از اینکه از این دنیا با درد برم، خوشبحال اونایی که تو خواب می‌میرن و صبح رو به چشم نمی‌بینن. (سالمند ۱۳)

شبها تا صبح خوابم نمی‌بره همش سوره‌های قرآن رو می‌خونم که ترسم کم بشه، نماز می‌خونم تا کمی آرام بشم اما واقعا ازش می‌ترسم دست خودم نیست حس

**قیامت:** تمامی سالمندان مورد بررسی در این پژوهش بر مفهوم قیامت و وجود اجر یا عذاب اخروی هم عقیده می‌باشند.

بعد از مردن دنیای دیگه‌ای هست و باید تقاص خوبی و بدی‌هایی که کردی رو پس بدی، اینطور نیست که به سادگی در بری. (سالمند ۹)

بعد از مردن دنیای دیگه‌ای هست و خدایی که باید باهاش روبرو بشی و پاسخگو اعمال باشی، کسانی که می‌گن دنیا و خدایی وجود نداره کافر و غافل‌اند. (سالمند ۵)

**آرامش ابدی:** براساس این مضمون به دست آمده سالمندان مورد مصاحبه به مفهوم آرامش ابدی و داشتن حیاتی پس از مرگ و تحقق جاودانگی امیدوار می‌باشند.

چیزی که در مورد مرگ خیلی امیدوارم می‌کنه اینه که به بهشت برم و اونجا به آرامش برسم و تا ابد به خوبی و خوشی زندگی کنم نه مثل این دنیا درد و رنج هست نه مرگ اطرافیان نه مرگ خودم. (سالمند ۸)

به نظرم هر آدمی حق داره بعد از مردن رنگ آرامش واقعی رو ببینه چون این دنیا جز درد و رنج و سختی چیز دیگه‌ای نداره. (سالمند ۱۴)

### بحث و نتیجه‌گیری

آگاهی از مرگ موجب می‌گردد که فرد ارزش زندگی را درک نماید و در جهت معنایابی برای زندگی خود بکوشد و حس مسئولیت‌پذیری افراد را افزایش می‌دهد. آگاهی از مرگ عامل سوق دهنده و مشوقی برای تلاش فرد در جهت بقا و خودشکوفایی است. پیرترین و شکننده‌ترین افراد جامعه یعنی سالمندان در طول زمان به طور فزاینده‌ای نادیده انگاشته می‌شوند تا حدی که نیازهای اولیه آنان مورد غفلت واقع می‌شود. شنیدن صدای آنان برای تغییر نگرش در رابطه با حوزه سالمندی ضروری و حیاتی است. در این پژوهش ما با ۱۷ مرد و زن سالمند مصاحبه عمیق نموده ایم. هدف پژوهش حاضر توصیف دیدگاه‌ها و نگرش‌های سالمندان پیرامون پدیده مرگ بود، نیازهای اساسی ایشان در رابطه آخرین مرحله زندگی نادیده انگاشته می‌شود، با وجود چنین مطالعه‌ای می‌توان مسائل سالمندان را از دید ایشان بررسی نمود و اقدامات لازم را بهبود بهزیستی روانی سالمندان انجام داد. بیشتر سالمندان مصاحبه شده در پژوهش پیش رو منتظر چنین رویدادی می‌باشند و بعضی دیگر با ترس و اضطراب به این رویداد می‌نگرند. فرایند مردن به خودی خود دلیل اصلی

می‌کنم خیلی دردناک باشه چونکه شنیدم موقع مرگ آدم‌ها درد می‌کشن. (سالمند ۱۷)

### دنیای پس از مرگ

با نظر به بافت فرهنگی و مذهبی محدوده‌ای که در آن پژوهش انجام پذیرفته است دیدگاه‌های دنیای پس از مرگ از نظر سالمندان داری اهمیت ویژه‌ای می‌باشد.

**بدن بعد از مرگ:** به واسطه کالبد هر فرد هویت خود را می‌شناسد و خود را از دیگران متمایز می‌نماید بنابراین جسم یا بدن از لحاظ روانشناختی حتی پس از مرگ نیز دارای اهمیت خاصی می‌باشد

چه بلایی سر بدنم میاد، خجالت می‌کشم کسی عریان من رو ببینه تمام عمرم خودم رو از چشم غریبه‌ها و نامحرم‌ها دور نگه داشته‌ام. (سالمند ۱۱)

یعنی بدنم قراره زیر یک خروار خاک بره، بدنی که یک عمر مراقبتش بودم خیلی درد داره وقتی بهش فکر می‌کنم (اشک در چشمانش حلقه بسته) (سالمند ۶)

**ترس از دنیای دیگر:** ناشناخته بودن امور عامل اصلی اضطراب و ترس افراد در مواجهه با هر موضوع نوینی می‌باشد، لذا مرگ جز ناشناخته‌ترین واقعیات موجود زندگی هر انسانی به واسطه در دوردست بودن موجب ایجاد ترس و اضطراب در افراد می‌گردد.

به نظرت دنیای دیگه چجوریه؟ مثل همین دنیاست؟ تا حالا کسی اونو ندیده تصویری ازش ندارم بهم حق بده نگران باشم. (سالمند ۴)

سخته واسم وقتی فکر می‌کنم از این دنیا از این جا برم چجوری من رو به دنیای دیگه می‌برن، شنیدم فرشته‌های مهربان و یا وحشتناکی میان سراغ آدم از شنیدن این حرفا وحشت می‌کنم. (سالمند ۱۵)

**عذاب قبر:** با عنایت به باورهای عمیق مذهبی سالمندان مورد مصاحبه مشخص گردیده است اکثریت مطلق آنان نسبت به عذاب نگرانی‌هایی را بروز می‌دهند.

شنیدم تو قبر زنده می‌شی و باید جواب سؤال پس بدی، می‌گن قبر واسه آدم گناه کار مثل جهنم می‌شه و همونجا عذابش می‌دن و واسه آدم مومن بهشتی می‌شه. (سالمند ۱۲)

آدم گناهکار آنقدر تو قبر تحت فشار قرار می‌گیره که شیرینی که تو نوزادی خورده از دماغش میاد بیرون! (سالمند ۳)

برای درک نیازهای سالمندان و تلاش برای بهبود وضعیت آخرین مرحله زندگی آنان، پژوهش کیفی ارزش می‌یابد. سالمندان حاضر در خانه سالمندان جام جم سندج به طور فزاینده با پدیده مرگ اطرافیان روبرو می‌گردند و پنداشت‌های به نسبت مشابهی به سبب تعامل با اطرافیان پیدا نمودند. پراهمیت‌ترین پنداشت‌های ایشان حس رهاشدگی، ترجیح مرگ بر ازکارافتادگی و در آخر مرگ بی‌درد بود. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با این سالمندان در موارد زیادی حس ناخوشایندی به وجود آمده از رهاشدگی را هم‌تراز با مرگ توصیف نموده‌اند که نشان دهنده نیاز اصلی فرد به ارزشمند بودن از جانب دیگران است که با سکن‌گزینی در خانه سالمندان به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. دیگر مضمون پر اهمیت ترجیح مرگ بر ازکارافتادگی است. اکثر این سالمندان نگرانی‌های شدیدی از بیمار شدن و ناتوانی در انجام امور خصوصی خود را توصیف نمودند و بیان داشتند که مرگ را بر از دست دادن کنترل بر جسم خود ترجیح می‌دانند. مرگ بی‌درد یکی دیگر از آرزومندی‌های سالمندان است که با توجه به مصاحبه‌های انجام پذیرفته به واسطه وجود باورهای مذهبی، این افراد مردن را با درد و رنج و مشقت مصادف می‌دانند و بر این باورند که لحظه مرگ دردناک و سخت می‌باشد. از دیدگاه این سالمندان دنیای پس از مرگ در اکثر موارد با درد و رنج و عذاب همراه است که عامل اصلی آن وجود باورهای بنیادی است. عمده مضامین این خوشه شامل عذاب قبر و قیامت بود؛ این سالمندان عذاب قبر را حتمی و غیر قابل اجتناب می‌دانند که خود به وجود آورنده و ماشه‌چکان اضطراب مرگ می‌باشد. وجود باورهای بنیادی و مذهبی مثبت در سالمندان به عنوان یک منبع معنا بخش، قدرت مقابله با رویدادهای استرس‌زای زندگی و مردن را افزایش می‌دهد. انجام پژوهش و پژوهش علمی با سالمندان به دلایل متعددی سخت و دشوار می‌باشد زیرا که آنان با مشکلات و ضعف جسمانی و به‌ویژه تحلیل قدرت شنوایی مواجه‌اند که فرآیند انجام مصاحبه و یا مداخله را با مشکل روبرو می‌سازد. حساسیت روحی سالمندان به دلایل انزوا و تنهایی، مواجهه با مرگ قریب الوقوع، کاهش ارتباطات میان فردی و نبود شنونده فعال به احتمال فراوان بالا می‌رود بنابراین لازمه انجام پژوهش با این رده سنی نیازمند مصلحت‌اندیشی بالایی می‌باشد که آسیب روحی و روانی به آنان وارد نگردد.

نگرانی آنهاست. این سالمندان مرگی بی‌درد و آرام و ترجیحاً در خواب را می‌پسندند. تعدادی از آنان تمایل داشتند که وصیت نامه خود را بنویسند و تعدادی دیگر نظر مغایر داشتند. مصاحبه با سالمندان در رابطه با مرگ دشوار است زیرا که ممکن آنان را به سمت احساسات منفی و ناکام‌کننده سوق دهد. نیمی از سالمندان دارای اضطراب خفیفی در رابطه با مرگ هستند که طبیعی می‌باشد (سواتی، ۲۰۱۴). اکثر افراد موضوع مرگ را به عنوان یک عامل که نباید در مورد آن صحبت کرد، می‌دانند و در مورد آن تمایلی به حرف زدن ندارند. (چان و یپ، ۲۰۰۹). بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه سالمندان بر سالمندی موفق به معنای خودمختاری و زندگی مستقل در این دوره تکیه دارند. افسردگی پایان عمر جمعیت قابل ملاحظه‌ای از سالمندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بریگز و همکاران، ۲۰۱۸). سالمندی مفاهیم ذیل را شامل بقا (طول عمر)، سلامت (عدم ناتوانی جسمی) و رضایت از زندگی (شادی) اشاره نموده‌اند (پالمور، ۱۹۹۵). در پژوهش انجام گرفته دغدغه‌های گذشته سالمندان همچون زندگی نازیسته و نگرانی‌های پیش روی آنان همچون وضعیت سلامتی و مرگ از دیدگاه آنان مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که تجربه‌های انجام‌نیافته، به عبارتی زندگی نازیسته سالمندان شامل نیازهای ارضا نشده آنهاست، به طور معمول امور ناتمام اضطراب‌ها و نگرانی‌های پی‌درپی را برای آنان به وجود می‌آورد که مفهوم گشتالت ناقص را تداعی می‌نماید. زندگی سالمندان در مراکز نگهداری از سالمندان به معنای شهروند درجه دوم بودن برای آنان معنی می‌گردد. سالمندان مصاحبه شده در موارد متعددی نپرداختن به علایق شخصی را از دغدغه‌های اصلی خود برمی‌شمارند و غالباً با بیان این جمله «اگر به سالیان گذشته باز می‌گشتم» این نیاز را بازگو می‌کنند. عمده‌ترین مسئله پیرامون زندگی نازیسته عدم ابراز احساسات واقعی فردی در زمان مناسب آن بوده است که موجب پشیمانی گسترده‌ای برای بیشتر این سالمندان شده است. تفکر پیرامون سال‌های از دست رفته سالمندان را آشفته و بیقرار می‌نماید و در آنان احساس رکود به وجود می‌آورد. با این توصیف درمانگران و مشاوران حوزه سالمندی لازم است در رابطه با معنایابی و باز تعبیر زندگی سالمندان در جهت بهبود وضعیت معیشتی آنان از دیدگاه‌های معاندروانی و روایت درمانی استفاده نمایند.



Hallberg, I. R. (2004). Death and dying from old people's point of view. A literature review. *Aging clinical and experimental research*, 16(2), 87-103.

Hammarberg, K., Kirkman, M., & De Lacey, S. (2016). Qualitative research methods: when to use them and how to judge them. *Human Reproduction*, 31(3), 498-501.

Jr, J. W., & Gordon, J., (2002). Psychosocial issues near the end of life. *Aging & mental health*, 6(4), 402-412.

Kalish, R. A., & Reynolds, D. K. (1977). The role of age in death attitudes. *Death Studies*, 1(2), 205-230.

Lloyd, L. (2000). Dying in old age: promoting well-being at the end of life. *Mortality*, 5(2), 171-188.

Lockhart, L. K., Bookwala, J., Fagerlin, A., Coppola, K. M., Ditto, P. H., Danks, J. H., & Smucker, W. D. (2001). Older adults' attitudes toward death: Links to perceptions of health and concerns about end-of-life issues. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 43(4), 331-347.

Moadel, A., Morgan, C., Fatone, A., Grennan, J., Carter, J., Laruffa, G., . . . Dutcher, J. (1999). Seeking meaning and hope: self-reported spiritual and existential needs among an ethnically-diverse cancer patient population. *Psycho-Oncology*, 8(5), 378-385.

Morrissey, M. B. (2011). Phenomenology of pain and suffering at the end of life: A humanistic perspective in gerontological health and social work. *Journal of social work in end-of-life & palliative care*, 7(1), 14-38.

Neimeyer, R. A., Wittkowski, J., & Moser, R. P. (2004). Psychological research on death attitudes: An overview and evaluation. *Death Studies*, 28(4), 309-340.

Ordille, J. (2016). Phenomenology in End-of-Life Care: Implications for Philosophy and Clinical Practice. *Clinical Social Work Journal*, 44(2), 170-178.

Palmore, E. (1995). Successful aging. In G. Maddox (ed.), *Encyclopedia of aging: a comprehensive resource in gerontology and geriatrics*. New York: Springer.

Patrick, D. L., Curtis, J. R., Engelberg, R. A., Nielsen, E., & McCown, E. (2003). Measuring and improving the quality of

## سیاس‌گذاری

با سیاس‌گذاری فراوان از تمامی سالمندان گرامی و مدیریت محترم سرای سالمندان جام جم سندیج که در این پژوهش ما را یاری نمودند.

## منابع

Barbato, M. (2006). The pain of dying. *Journal of Religion, Spirituality & Aging*, 18(2-3), 111-122.

Barker, P. (2000). Working with the metaphor of life and death. *Medical humanities*, 26(2), 97-102.

Bowling, A. (2007). Aspirations for older age in the 2nd century: What is successful aging? *The International Journal of Aging and Human Development*, 64(3), 263-297.

Briggs, R., Tobin, K., Kenny, R. A., & Kennelly, S. P. (2018). What is the prevalence of untreated depression and death ideation in older people? Data from the Irish Longitudinal Study on Aging. *International psychogeriatrics*, 30(9), 1393-1401.

Chan, L. C., & Yap, C. C. J. S. A. J. (2009). Age, gender, and religiosity as related to death anxiety. 6, 1-16.

Charles, S. T., & Carstensen, L. L. (2010). Social and emotional aging. *Annual review of psychology*, 61, 383-409.

Crumpacker, D. W. (2008). *Suicidality and antidepressants in the elderly*. Paper presented at the Baylor university medical center proceedings.

Ellenberger, H. F. (1958). A clinical introduction to psychiatric phenomenology and existential analysis.

Fegg, M. J., Wasner, M., Neudert, C., & Borasio, G. D. (2005). Personal values and individual quality of life in palliative care patients. *Journal of pain and symptom management*, 30(2), 154-159.

Fiske, A., Wetherell, J. L., & Gatz, M. (2009). Depression in older adults. *Annual review of clinical psychology*, 5, 363-389.

Fleming, J., Farquhar, M., Brayne, C., Barclay, S., & collaboration, C. C. (2016). Death and the oldest old: attitudes and preferences for end-of-life care-qualitative research within a population-based cohort study. *PloS one*, 11(4), 105-115.

- dying and death. *Annals of internal medicine*, 139(5), 410-415.
- Patrick, D. L., Engelberg, R. A., & Curtis, J. R. (2001). Evaluating the quality of dying and death. *Journal of pain and symptom management*, 22(3), 717-726.
- Pollak, J. M. (1980). Correlates of death anxiety: A review of empirical studies. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 10(2), 97-121.
- Robbins, R. A. (1989). Gender and sex-role stereotypes in scales of death concern. *Death Studies*, 13(6), 579-591.
- Rowe, J. W., & Kahn, R. L. (1997). Successful aging. *The gerontologist*, 37(4), 433-440.
- Sharp, T., Moran, E., Kuhn, I., & Barclay, S. (2013). Do the elderly have a voice? Advance care planning discussions with frail and older individuals: a systematic literature review and narrative synthesis. *British Journal of General Practice*, 63(615), 657-668.
- Shosha, G. A. (2012). Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *European Scientific Journal*, 8(27), 31-43.
- Swathi, G. (2014). Death anxiety, death depression, geriatric depression and suicidal ideation among institutionalized and noninstitutionalized elders. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 4(10), 356-364.
- Thorson, J. A., & Powell, F. C. (1990). Meanings of death and intrinsic religiosity. *Journal of Clinical Psychology*, 46(4), 379-391.
- Thorson, J. A., & Powell, F. C. (1992). A revised death anxiety scale. *Death Studies*, 16(6), 507-521.
- V. Fortner, R. A. N., Barry. (1999). Death anxiety in older adults: A quantitative review. *Death Studies*, 23(5), 387-411.
- Van Der Geest, S. (2002). 'I want to go!' How older people in Ghana look forward to death. *Ageing & Society*, 22(1), 7-28.
- Weed, L. D. (2004). The Meaning of the Death of Adult Child to an Elder. *University of Tennessee, Knoxville*, 22.
- Zhao, J., Barclay, S., Farquhar, M., Kinmonth, A. L., Brayne, C., & Fleming, J. (2010). The oldest old in the last year of life: Population-based findings from Cambridge city over-75s cohort study participants aged 85 and older at death. *Journal of the American Geriatrics Society*, 58(1), 1-11.